



## گاهی با «پارتی» می‌شود هر قانونی را دور زد!

چرا بی‌اعتمادیم؟ چرا شک و تردید در دل‌مان وجود دارد و بابت هر کاری هزارویک سؤال از ذهن‌مان می‌گذرد. زمانی به راحتی به افراد مختلف اعتماد می‌کردیم و قدرت خطر کردن داشتیم، اما چه اتفاقی افتاده است که دیگر هر حرفی را به راحتی باور نمی‌کنیم و برای هر کاری حتی اگر مشورت هم گرفته باشیم با تردید قدم برمی‌داریم. پاسخ این سؤالات را باید از افرادی شنید که درگیر بی‌اعتمادی هستند و به قول خودشان به افراد جامعه و حتی مسئولان بدبین شده‌اند.

خانم رضوانی که ۳۵ سالش است و به عقیده‌اش هیچ کس و هیچ چیزی قابل اعتماد نیست، می‌گوید: «من و اطرافیانم از اعتماد بیجایی که به دیگران کرده بودیم، آسیب زیادی دیدیم. به عقیده من وقتی ارزش‌های اخلاقی مثل صداقت، ایمان، وجدان،

فرهنگ عمومی و اعتقاد از صفر هم پایین‌تر برود، افراد نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. وقتی بی‌اعتماد شوید تبدیل به فرد بدبینی می‌شوید و آن وقت است که خودتان را تنها می‌بینید، گزیده کار و محتاط می‌شوید و زندگی برای‌تان سخت می‌شود. اما خوب چاره چیست؟»

او در پاسخ به این سؤال که چقدر اخبار فضای مجازی در این بی‌اعتمادی شکل گرفته تأثیر دارد، می‌گوید: «بستگی به افراد دارد که درباره خبرهایی که می‌شنوند تحقیق کنند یا نه؟ من اخبار فضای مجازی را در صورتی که بدانم حقیقت را می‌گویم، باور می‌کنم و برای این کار هر خبر را از منابع خبری مختلف می‌بینم و آن وقت درباره آن قضاوت می‌کنم.»

خانم رضوانی با بیان اینکه تجارب تلخ باعث می‌شود قدرت خطر کردن افسراد پایین بیاید، می‌گوید: «یکی از مشکلات اساسی ما ادارها و سازمان‌هایی است که با مردم سرو کار دارند. اگر آنها وظایف خود را به درستی انجام می‌دادند

# بی‌اعتمادی‌ها از رعایت نکردن حق الناس است

بررسی علل بی‌اعتمادی گروه‌هایی از مردم به یکدیگر و پیامدهای آن در گفت‌وگوی «جوان» با مهدی اسماعیل تبار، روانشناس



می‌بینم در زندگی خودم، خیلی پیشرفت کرده‌ام، یعنی «من» تعیین‌کننده هستم و «من» باید برنامه‌ریزی کنم. اگر همه ما مسئولان کشور تا تک‌تک افراد جامعه، این تفکر را داشته باشیم، بی‌اعتمادی نمی‌تواند در جامعه ریشه کند.

نقش شبکه‌های اجتماعی در دامن زدن به بی‌اعتمادی‌ها چیست؟

در شبکه‌های اجتماعی بی‌حیایی اطلاعات افتاد افشاده است که این بی‌حیایی اطلاعات شما را مجبور می‌کند ذهنیت‌تان همان چیزی باشد که او می‌گوید، در صورتی که این اطلاعات اصلاً حق نیست. من به‌شخصه در طول دوره فعالیتیم همه نوع آسیب‌های اجتماعی را دیده‌ام؛ اعتیاد و خودکشی، اما وقتی ایران امروز را با ایران ۵۰ سال پیش مقایسه می‌کنم، پیشرفت‌های خوبی می‌بینم. همین حالا بالاترین نرخ افسردگی و مصرف دارو برای امریکاست. ببینید من مثل اخبار صدوسیما نمی‌خواهم به شما بگویم که ما عالی هستیم و کشورهای دیگر همه بدبخت هستند. نه! هدف من از گفتن این حرف‌ها این است که بگویم ما در اقعان افکار عمومی برای موضوعات متعدد و اعتمادسازی در سه سطح فرد، خانواده و جامعه بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم و نتیجه‌اش این شده است که با هر فیلمی که می‌بینیم فیلم می‌شویم. یعنی از لحاظ فکری و تحلیلی ضعیف هستیم؟

ما پدیده‌ای داریم به اسم انسان موبایلی که در این پدیده شبکه‌های اجتماعی تعیین‌کننده همه چیز هستند. اما هنوز مسئولان ما این موضوع را به خوبی درک نکرده‌اند. باید به دختران و پسران جوان و به خانواده، اقعان شدن را یاد بدهیم. اگر این کار را کردیم، نتیجه می‌گیریم در غیر این صورت، امواج فرکانس‌های موبایل و بی‌سیم‌ها به‌طور کلی خانواده‌ها نفوذ می‌کنند و این کار را انجام می‌دهند. سال‌های خیلی دور، یزید نوازست با تسلط بر افکار مردم کوفه، امام حسین (ع) را خارجی جا بزنند و بر آنها مسلط شود. سازمان مجاهدین خلق از آدم‌کشی در خیابان به ارسال پست و دادن مطلب رسیده تا افکار عمومی را بدون هیچ جنگی تسخیر کند، یعنی آن تروست آدامکشی

که روی پوست آدم‌ها اتوی داغ می‌گذاشت، حالا سلحه و آدم‌کشی را کنار گذاشته و با اینترنت و لپ‌تاپ قصد تسخیر ذهن‌ها را دارد. پس جنگ، جنگ باورهاست، جنگ نگرش‌هاست، جنگ شناخت است. اینکه شما را متقاعد کند که بدبختی و هیچ‌کس مورد اعتماد نیست. وقتی داستان اینطور پیش برود، نتیجه و خروجی «بی‌اعتمادی» در جامعه می‌شود و آن وقت کار تمام است.

فکر می‌کنید با این بی‌اعتمادی‌ها و القای شرایط منفی در جامعه چه اتفاقی در آینده می‌افتد؟

من اصلاً آینده جامعه‌مان را منفی نمی‌بینم. عقیده دارم افراد جامعه ما از لحاظ مبنایی قوی هستند اما احساسات و تفکرشان به سمت و سوی خوبی نرفته و بی‌اعتمادی در آنها شکل گرفته است. فراموش نکنید که در این ۴۰ سال، هشت سال جنگ داشتیم، تحریم داشتیم، یک تعدادی از نخبگان هم در ترو ۱۷ هزار نفر شهید شدند و در حال حاضر هم مدیران ناکارآمدی داریم. من در هیچ جناحی نیستیم، من نه برانداز هستم نه جاناندا؛ از نظر من باید همه ما به نگاه ورناندازی برسیم و نقد کنیم.

گاهی تجارب منفی در زندگی مان اتفاق افتاده است و آسیب‌هایی که از آن دیده‌ایم یا حتی اتفاقات تلخی که برای آشنایان و دوستان‌مان افتاده است و آنها را می‌شنویم، به بی‌اعتمادی دامن می‌زند. مثلاً وقتی یک بار به یک تعمیرگاه ماشین یا تعمیرات لوازم خانگی مراجعه می‌کنید و می‌بینید که قطعه‌ای از آن را برداشته‌اند، بار دیگر دست به عمار حرکت می‌کنید و به تعمیرکار بعدی، اعتماد نمی‌کنید.

این را قبول دارم. دلپیش این است که ما برای تربیت نفس، سواد رسانه و خوشی روانی‌مان، سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم و تا زمانی که یک نفر به مشکل حاد روحی نرسد، برای ارتقای عزت‌نفس و غنی‌سازی روان خودش، کاری انجام نمی‌دهد، اما چرا از نظر من، آینده مثبت است؟ چون در گذشته یک خبرنگار به من زنگ نمی‌زد تا در رابطه با علل بی‌اعتمادی صحبت کند، ولی الان این کار را می‌کنیم، چون مسئله اعتماد مهم شده است. می‌خواهم مثالی برای‌تان بزنم. سال ۱۳۵۸ عراق به ایران حمله کرد، رژیم پهلوی حتی یک موشک هم نداشت که به سمت عراق بفرستد اما صدام ۵۶۰ موشک به ایران زد. برای همین گفتیم که باید موشک داشته باشیم و الان صنایع موشکی درست شده است. حال باید صنایع شناختی ایجاد و روی شناخت افراد کار شود. به تعبیر علامه حسن‌زاده بسراغ «اسلام

باشند، اطمینان کردن به هر کس، ناتوانی است»، به همین دلیل اطمینان کردن به افراد را توهین به خودم می‌دانم چرا که احساس می‌کنم خودم به آنها اجازه می‌دهم به من آسیب بزنند.»

او ادامه می‌دهد: «وقتی اعتماد کردم و ضربه خوردم، اعتمادبه‌نفسم گرفته شد، برای همین بعد از چند بار آسیب که از اعتماد به دیگران دیدم، سعی کردم دایره تعاملاتم را کوچک کنم و دور خودم حصار بکشم و اصلاً هم دوست ندارم کسی این حصار را خراب کند.»

خانم صیادی اظهار می‌دارد: «من اوایل به همه افراد خوش‌بین بودم و با دید بسیار خوبی سمت‌شان می‌رفتم اما اتفاقات بدی برام افتاد که حالا نسبت به همه بدبین هستم، مگر اینکه خلافش ثابت شود. در این زمینه حدیثی از حضرت علی (ع) وجود دارد که «پیش از از مودن دوست، به او اعتماد مکن» و من در همه شرایط

زندگی‌ام به این حدیث عمل می‌کنم.» او با اشاره به اینکه «اعتماد ساختنی است»، می‌گوید: «آجر به آجر اعتماد را می‌سازی اما با اشتباه یک نفر، همه چیز خراب می‌شود. دوباره ساختن این دیوار، خیلی سخت است. اما فکر کنید مگر این دیوار خراب شود و بخواهید آن را بسازید، اصلاً به نظر من دیگر ساختنی نیست.»

خانم صیادی در پایان می‌گوید: «هیچ دادگاهی نیست که در آن بابت آسیب‌هایی که به روح شما وارد شده است، شکایت کنید و خسارت بگیرد، پس به نظر من باید در تمام مراحل زندگی دست به عمار حرکت کنیم تا آسیب نبینیم.»

شناختی «برویم و از خود برسیم برای چه یک تعمیرکار نباید یک قطعه را از دزدکی بردارد؟ حلال و حرام چیست؟ چرا حق الناس به راحتی از بین می‌رود؟ وقتی از علامه طباطبایی می‌پرسند که چرا اروپا از ایران سرسبزتر است؟ می‌فرماید آنجا حق الناس رعایت می‌شود. «حق الناس» همان چیزی است که امام حسین (ع) گفت اگر کسی گردنش است، کنار برود. به نظر من، بی‌اعتمادی ما برای این است که حق الناس رعایت نمی‌شود. برای همین است که مدام تجربیات تلخ برای من و شمارقم می‌خورد.

علت اینکه حق الناس نادیده گرفته می‌شود، چیست؟

چون ما مسلمان واقعی نیستیم و به راحتی دروغ می‌گوییم. هر کسی که این مطلب را می‌خواند، باید به خودش و خانواده‌اش نگاه کند. انسان امروزی، انسان موبایلی است. همانطور که اوایل صحبت به شبکه‌های اجتماعی اشاره کردم، این رسانه دارد به ما یاد می‌دهد که فقط «تو» و منفعت «تو» مهم است و نه هیچ چیز دیگر. وقتی فقط «من» برای خودم مهم شود، پس قطعه موبایل دیگران را می‌دزدم، فاکتور دروغین صادر می‌کنم، کلاه افراد را برمی‌دارم تا سود بیشتری ببرم، بدون اینکه بفهمم همه اینها در مجموع به ضرر من تمام می‌شود. البته از نظر من، جامعه ایرانی به‌طور کلی دارد به سمت تشخیص و رشد شناختی می‌رود و اگر کسی فاسد است، دزد است، آن شخص مشکل دارد، اما جامعه اینطور نیست.

ساختارها اشکالاتی دارد و اصلاً نظام‌مند نیست، به همین دلیل است که اشخاص به جای ساختارها مهم شده‌اند. از نظر شما خرابی ساختار و نظام‌مندی چقدر در این بی‌اعتمادی تأثیر داشته است؟

وقتی دانشکده علوم قضایی، به اندازه دانشگاه شریف، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی یک ساختار ارزشمند ندارد، یعنی ما اصلاً اهمیت «مسئولیت» و «حقوق» را درک نکرده‌ایم، در حالی که طولانی‌ترین سوره قرآن، سوره بقره مربوط به حقوق است که به درست کردن قراردادها و مان‌تاکید کرده و گفته آدم‌های با قول و قرار باشید.

اگر روند رسیدگی به کلاهبرداری‌ها و دزدی‌ها سریع‌تر می‌شد، آن شخص به خودش اجازه نمی‌داد به پایمال کردن حق الناس ادامه دهد و آن وقت شاید بی‌اعتمادی‌ها کمتر می‌شد.

این یک واقعیت است. مردم تجربیاتی دارند که اذیت شده‌اند و بی‌اعتمادی در آنها شکل گرفته است، یعنی علاوه بر بی‌اعتمادی از خارج که توسط رسانه‌ها القا می‌شود، یک بی‌اعتمادی از داخل هم توسط افراد فاسد در ساختارها ایجاد شده است. از نظر من، سیستم فاسد نیست، چون اگر بود ۱۰۰ قاضی به زندان نمی‌رفتند یا اصلاً دادگاه ویژه روحانیت نداشتیم که در آن با روحانی فاسد برخورد شود، اما افراد فاسدی هستند که برخی را بی‌اعتماد کرده‌اند. برای همین تأکید می‌کنم که باید روی اقعان عمومی و بالا بردن سواد رسانه‌ای افراد کار شود. مسئله مهم دیگر اهمیت به «حقوق» است که باید دانشگاه علوم قضایی کشور مانند سایر دانشگاه‌های معروف، ساختاری ارزشمند داشته باشد، نه اینکه فقط یک ساختمان باشد؛ در غیر این صورت، خسارات بسیار زیادی را متحمل خواهیم شد.

- شبکه‌های اجتماعی
- بمنظور القای بی‌اعتمادی
- فقط «تو» و منفعت
- «تو» مهم است
- و نه هیچ چیز دیگر.
- وقتی فقط «من» برای خودم مهم باشد، پس قطعه موبایل دیگران را می‌دزدم، فاکتور دروغین صادر می‌کنم، کلاه افراد را برمی‌دارم تا سود بیشتری ببرم، بدون اینکه بفهمم همه اینها در مجموع به ضرر من تمام می‌شود.
- وقتی دانشکده علوم قضایی، به اندازه دانشگاه شریف، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی یک ساختار ارزشمند ندارد، یعنی ما اصلاً اهمیت «مسئولیت» و «حقوق» را درک نکرده‌ایم، در حالی که طولانی‌ترین سوره قرآن، سوره بقره مربوط به حقوق است که به درست کردن قراردادها و مان‌تاکید کرده و گفته آدم‌های با قول و قرار باشید.

- وقتی دانشکده علوم قضایی به اندازه دانشگاه شریف، یک ساختار ارزشمند ندارد، یعنی ما اهمیت «مسئولیت» و «حقوق» را درک نکرده‌ایم، در حالی که در سوره بقره، طولانی‌ترین سوره قرآن به درست کردن قراردادها و مان‌تاکید شده است و گفته، آدم‌های با قول و قرار باشیم

